می‌خواهیم آناهیتای خفته را بیدار کنیم

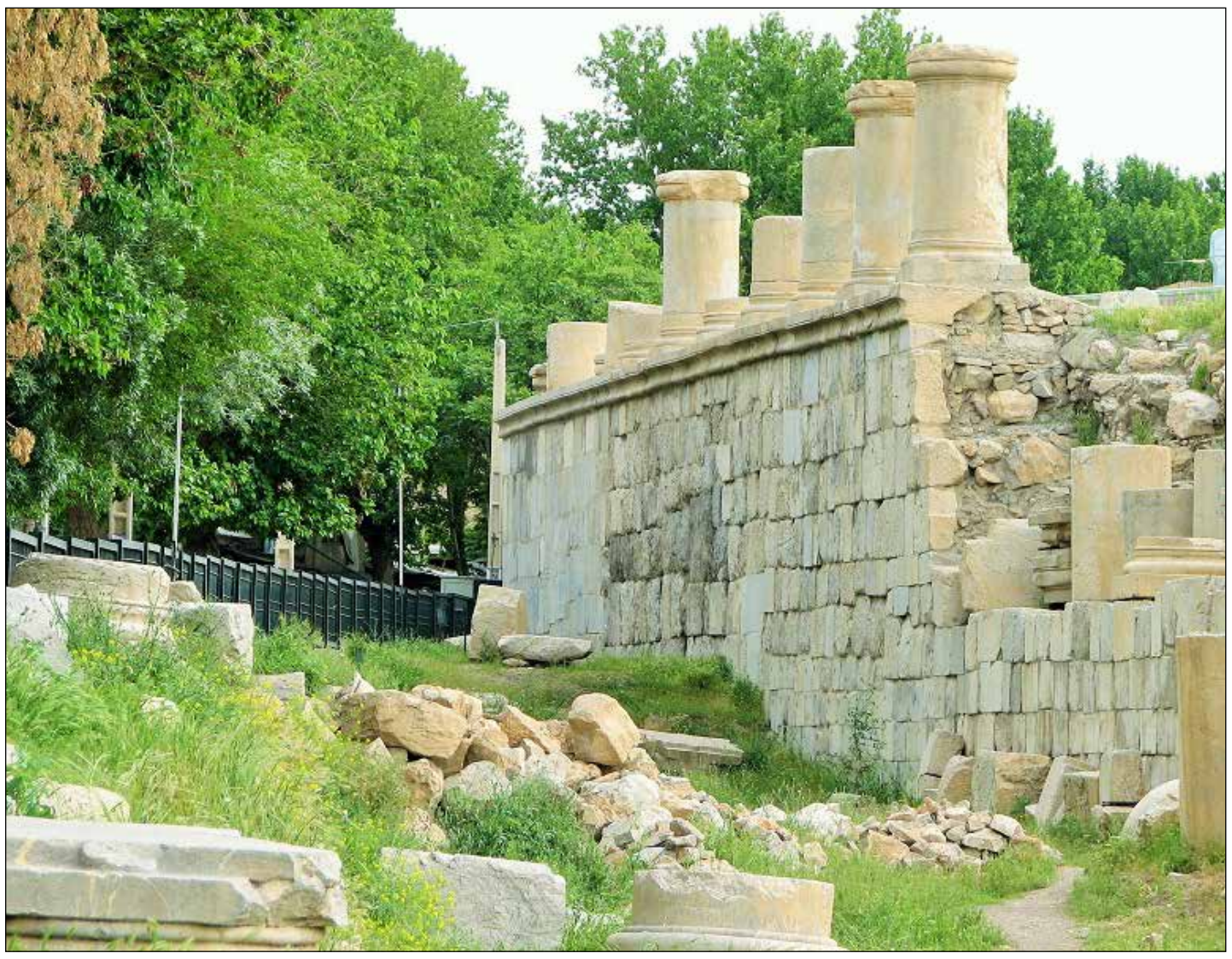

مدیر پایگاه ملی میراث فرهنگی معبد آناهیتای کنگاور از تلاش‌ها برای ایجاد تغییرات در این مجموعه خبر داد تا به واسطه آن بتوان گردشگران را جذب و به قولی آناهیتای خفته را از خواب بیدار کرد.

به گزارش خبرنگار ایلنا، در سال ۱۳۴۷ کاوش‌های باستان‌شناسی در معبد آناهیتا آغاز و تا سال ۱۳۵۶ ادامه یافت. پس از آن شاهد وقفه‌ای طولانی در کاوش‌ها بودیم و در سال‌های بعد نیز کاوش‌های جسته و گریخته‌ای انجام گرفت که باتوجه به وسعت ۵ هکتاری عرصه، پاسخگوی سوالات مطرح شده درباره این معبد نبود. اکنون حدود دو دهه است که کاوش‌های باستان‌شناسی در منطقه متوقف شده. معبد آناهیتا تنها تک بنای سنگی است و کاوش در آن اهمیت خاص خود را دارد و حتا می‌تواند بازتعریفی از این بنا ارائه دهد. با این وجود مرتضی گراوند (مدیر پایگاه ملی میراث فرهنگی معبد آناهیتای کنگاور) از عدم تحقق کاوش‌های باستان‌شناسی در این مجموعه خبر داد و گفت: به دلیل جابه‌جایی اعتبارات در سازمان برنامه و بودجه، بخش اعتبارات کاوش به بخش تجهیزات اختصاص یافت چراکه سطح اعتبارات پژوهش در استان بالا بود از این رو نتوانستیم امسال کاوش را انجام دهیم البته در تلاش هستیم تا با استفاده از اعتبارات ۱۴۰۲ بتوانیم کاوش‌ها را انجام دهیم. از این رو درحال حاضر اعتبارات را به سمت تجهیزات بردیم.

او تاکید کرد: اولویت اصلی ما در پایگاه، کاوش و مرمت معبد آناهیتاست و از این رو تمام تلاش بخش امور پایگاه‌ها و همچنین پژوهشگاه میراث و گردشگری، جذب اعتبارات برای انجام کاوش و البته مرمت این مجموعه است.

گراوند ادامه داد: توجه به بخش زیرساخت‌ها از جمله ضروریات پایگاه است از این رو با اعتباراتی که در اختیار داشتیم تمام دوربین‌های مدار بسته تجهیز شدند و دوربین‌های مدار بسته موزه نیز تکمیل شد. همچنین ساماندهی نخاله‌ها و خانه‌های موجود در ضلع شرقی را داشتیم که جمع آوری و ساماندهی شده است. همچنین انتقال گیت ورودی به ضلع جنوب غربی و ایجاد پارک موزه را در نظر داریم. تا شاید بتوانیم با این امور، آناهیتای خوابیده را بیدار کنیم. او در توضیح ساماندهی محوطه پیرامون معبد آناهیتا و ساماندهی نخاله‌ها و خانه‌های تخریب شده، گفت: این خانه‌ها از اواخر دهه ۴۰ تاکنون به حال خود رها شده بودند. از این رو بیش از ۷ هزار متر مکعب از این محوطه پاکسازی شده و حدود ۵۰۰ متر مکعب دیگر باقی مانده تا ساماندهی این بخش تکمیل شود. با توجه به آنکه برخی نگرانی‌ها بابت استفاده از مواد و مصالح و ستون‌های معبد آناهیتا برای ساخت خانه‌های اطراف این مجموعه باستانی وجود دارد، طی ساماندهی این بخش از خانه‌های مخروبه، به مواردی بر نخوردیم که برایمان چالش برانگیز باشد. به نظر می‌رسد از همان زمان که حکومت‌های اسلامی بر سر کار می‌آیند و بخصوص در دوره صفویه، بخش شرقی تبدیل به مرکز اصلی شکل گیری شهر اصلی کنگاور می‌شود. درحال حاضر شواهدی از پراکنش و وجود ستون‌ها در این بستر مسکونی تخریب شده دیده نشده. به نظر می‌رسد در ضلع شمالی که امروزه با کمبود مصالح روبه رو هستیم، این احتمال وجود دارد که در جابه‌جایی شهر به سمت ضلع شمالی از این مصالح در ساخت خانه‌های آن بخش استفاده شده باشد.

مدیر پایگاه ملی میراث فرهنگی معبد آناهیتای کنگاور درخصوص وضعیت کلی این بنا گفت: بر اساس داده‌های گذشته و امروز، این بنا همچون گذشته است و خیلی دچار آسیب‌های جدی نشده اما اگر شرایط رها شدن این بنا در محیط بیرونی همچنان ادامه یابد قطعا به دلیل شرایط جوی بروز آسیب، غیر قابل انکار است. برف و باران، گرمایش و سرمایش و... طبیعا به سنگ‌ها آسیب می‌رساند و بناهایی که در محیط آزاد قرار دارند دچار هوازدگی می‌شوند و این امری طبیعی است. معبد آناهیتا نیز از این امر مستثنی نیست. البته با استناد به تصاویری که در اخیار داریم به نظر می‌رسد این امر به کندی پیش می‌رود و آسیب جدی را شاهد نیستیم. سنگ‌های معبد آهکی رگه دار هستند و به راحتی دچار آسیب نمی‌شوند مگر آنکه با ضربه کنده شوند.

گراوند در خصوص وضعیت گردشگری و میزان بازدیدها از معبد آناهیتا نیز گفت: وضعیت گردشگری بد نیست و البته خوب هم نیست. خوب نیست چراکه مردم انتظار دارند، فکری به حال سنگ‌های رها شده بکنیم. جابه‌جایی سنگ‌ها را از ضلع جنوبی آغاز کرده‌ایم تا از سنگ‌های تلنبار شده روی هم، مزرعه سنگ درست کنیم و آن‌ها را چیدمان دهیم. استحکام بخشی این سنگ‌ها را در نظر داریم. حفاظت و مرمت آن‌ها نیز مد نظر است. البته هنوز به سنگ‌هایی که در امتداد دیوار هستند دست نزده‌ایم چراکه هنوز شرایطش را نداریم. البته با توجه به آنکه جرثقیل نداریم کمی کار با کندی پیش می‌رود. این درحالی است که وجود جرثقیل در مجموعه‌های اینچنینی از واجبات است چراکه عموما وزن سنگ‌ها و سرستون‌ها از ۴ تا ۲۵ تُن است و نیروی انسانی قادر به جابه جایی آن نیست.

او ادامه داد: به طور میانگین در طول سال بین ۲۵ تا ۳۰ هزار گردشگر داریم و خارجی‌ها نیز تا حدودی نسبت به این اثر شناخت دارند. چراکه پرونده ثبت موقف آن در سال ۲۰۰۷ به یونسکو ارسال شده. همچنین وجود گودین تپه در نزدیکی این معبد که در سطح جهانی شناخته شده است در گرایش گردشگران خارجی برای بازدید از این مجموعه بی‌تاثیر نیست.

به گفته گراوند در سال جاری تعیین حریم گودین تپه انجام خواهد شد تا خوانش آن انجام و کاوش‌ها صورت گیرد و به عنوان یک پایگاه همچون نوشیجان و تپه حسنلو معرفی شود چراکه این تپه‌ها هم دوره و هم افق هستند اما گودین تپه نادیده گرفته شده و سال‌هاست بعد از رفتن هیات کانادایی، به حال خودرها شده است.

او درخصوص حفاری‌های غیر مجاز در گودین تپه نیز گفت: متاسفانه همه جا شاهد حفاری‌های غیر مجاز هستیم و کرمانشاه نیز پهنه گسترده‌ای در غرب ایران است که با بیش از ۴ هزار اثر و پراکندگی آن‌ها که بیشتر آن‌ها نیز در زمین‌های کشاورزی و شخصی قرار دارند، دسترسی برای یگان حفاظت را دشوار می‌سازد. این مشکلی است که جامعه گرفتارش شده. از دیگر سو تولید بسیار زیاد دستگاه‌های گنج‌یاب و در دسترس بودن آن سبب شده تا عموم جامعه با تهیه این دستگاه‌ها به سمت گنج‌یابی بروند. البته که اتفاقی ناگوار است شاید بهترین راه افزایش نیروهای یگان حفاظت و در اختیار داشتن ابزار و وسایل لازم باشد. این موضوعی است که در کل کشور حاکم است و باید مورد بررسی قرار گیرد. ما در حد توانمان پایش‌های لازم را انجام می‌دهیم تامانع حفاری‌های غیر مجاز شویم. البته از حدود ۲۰۰ محوطه‌ای که در کنگاور وجود دارد برای حدود ۴۰ محوطه سند به نام میراث گرفتیم و حق مالکیت آنرا دریافت کرده‌ایم و اجازه تعرض مالکان را نمی‌دهیم. درخصوص سایر موارد نیز خانه‌های شخصی ساخته شده و نمی‌توانیم سند مالکیت آن‌ها را داشته باشیم و نمی‌توانیم هم ملک مردم را تخریب کنیم. در این میان دهیاری‌ها و شوراها به ما کمک می‌کنند و تقویت و آگاه‌سازی آن‌ها از حفظ میراث می‌تواند بازوی کمک کننده برای حفاظت بیشتر از آثار باشد.

نگاه

احمدرضا احمدی؛ شاعری که از نیما و شاملو عبور کرد

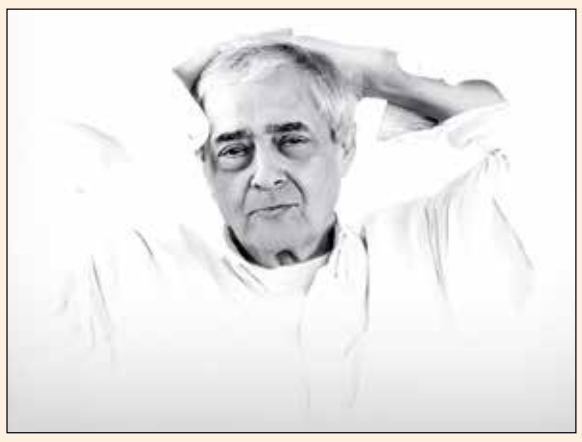

قالب اشعار «احمدرضا احمدی» به دلیل عدم‌تقید به سبک‌های شعری نیما و شاملو، طرفداران بسیاری پیدا کرد و چون متاثر از متن و نثر زندگی معاصر بود، در دهه‌های اخیر به یکی از جریان‌های اصلی شعری کشور تبدیل شده است. به گزارش خبرنگار فرهنگی ایرنا، زمانی که نیما، ساحت شعر کهن را با نظمی ایدئولوگ مواجه ساخت، شاعران و متخصان فنون شعر، پی به نبوغ او بردند. نیما، طرحی در قاموس شعر درانداخت که مشخص بود دامنه تاثیرات آن، تا نسل‌ها، تداوم خواهد یافت.

به همین دلیل، عجیب نبود که پیرمرد از همان روزهای نخست، تحت شدیدترین دشنام‌ها، اتهامات و نقدها قرار بگیرد. اما در این بین، دو متفکر جدی، به گونه‌ای دیگر به ساحت نیما تاختند: احمد شاملو که در سال ۳۶، با انتشار هوای تازه، سمت و سوی اسلوب شعری نیما را به جانب دیگری برد که بعدها شعر سپید خوانده شد و احمدرضا احمدی که در سال ۴۱ با انتشار طرح، موج نو را به راه انداخت و در قامت یکی از سرسخت‌ترین منتقدان نیما قرار گرفت.

البته که احمدی هیچ‌گاه این نام را بر روی شعر خود ننهاد و این، ابتکار اسماعیل نوری‌اعلا بود که این نام را بر سبک شعری احمدی نهاد. درواقع احمدی با انتشار طرح، با آن‌که در شکستن قالب شعری کهن، از نیما وام گرفته بود اما به شاخص‌هایی در فرم و البته محتوا دست یافته بود که نه در شعر نیما دیده می‌شد و نه در شعر سپید شاملو.

شاملو در هوای تازه، هنوز فاصله چندان معناداری با شعر نیمایی نداشت و به همین دلیل، هواداران این شاعر، بیش از آن‌که تحت‌تاثیر هژمونی جدید شاملو قرار بگیرند، متاثر از بلوغی بودند که در شعرهای این کتاب به چشم می‌خورد. ضمن آن‌که در نیمه دوم دهه ۳۰، امپراطوری نیما، با قدرت بیشتری به راه خود ادامه می‌داد و درنتیجه فرصت دیده شدن سبک جدیدی که متاثر از شعر او باشد، وجود نداشت چرا که در همان سال‌ها، بسیاری از شاعران جوان، شعر نو سرودن را مشق می‌کردند و درنتیجه تقلای شاملو، چندان که در دهه‌های بعدی به چشم آمد، دیده نشد.

اما احمدرضا احمدی زمانی طرح را منتشر کرد که گردوخاک نیما، تاحدودی خوابیده بود و جامعه ادبی کشور، منتظر یک تحول ادبی بود. همان‌گونه که بسیاری از کارشناسان، هدف از ظهور احمدی و بیژن جلالی (که هیچ‌گاه قدر دانسته نشد) را انقلابی در شعر معاصر فارسی عنوان کردند. البته که این سخن، چندان گزاف هم نبود.

شعری که احمدی در طرح ارائه داد و در طول یک دهه، در ۵ کتاب خود، مصرانه روی آن تاکید داشت، برخلاف شعر نیما و شاملو، وزن عروضی و قافیه مشخص و ملزمی نداشت.

مهم‌تر از آن اینکه مخاطب با شعری مواجه شده بود که فاقد آهنگ، سجع و موسیقی هارمونیک بود. بیشتر به نثر می‌زد و این، همان خصایصی بود که احمدی در سال ۴۱ در طرح ارائه داده بود.

احمدی اگرچه بعدها در همین قالب، حسابی و بسیار بیشتر از بیژن جلالی، معروف شد اما کمی بدشانس بود که فروغ نگاه جدید وی، تحت تاثیر امپراطوری نیما و شاملو، تا قبل از انقلاب، چندان به چشم نیامد. در سال‌های پس از انقلاب، احمدی، بیشتر دیده شد و اشعار او مورد توجه قرار گرفتند و شاعران جوان بسیاری تلاش کردند تا فارغ از محذورات شعر نیما و شاملو، به سمت شعر موج نو گرایش پیدا کنند.

البته که تمام تفاوت‌های شعر موج نو احمدی با آن‌چه که نیما و شاملو و دیگر شاعران پیشرو می‌سرودند، در فرم خلاصه نمی‌شد.

نیما و تاحدودی شاملو، معتقد بودند که شعر، باید حاوی پیام باشد. آنها برای نیل به این مقصود، در بسیاری از بزنگاه‌های شعری، از سمبلیسم بهره گرفتند و تلاش کردند تا مضمون را به سمت سوررئالیسم سوق دهند اما آنچه در شعر احمدی متجلی شد، در هم شکستن وزن عروضی بود.

ضمن آن‌که احمدی، شعر را به نثر نزدیک‌تر کرد و با گریزی هوشمندانه از سوررئالیسم، به دامان زندگی معاصر غلتید.

بنابراین آنچه در موج نو مشاهده می‌کنیم، گرته‌برداری از زندگی‌های روزی است که بدون هیچ نماد و نشانه‌ای، ساده سخن می‌گوید و در این پردازش، از هیچ وزن عروضی و محذورات ادبی بهره نمی‌برد.

اینها، همان نشانه‌های دوست‌داشتنی برای شاعران معاصر کشورمان است تا جایی که امروزه، بسیاری از شعرها، با گذر از شعر نو نیمایی و شعر سپید شاملویی، در قالب موج نو گنجانده شده و این، همان دگردیسی معنادار و جریان اپیدمیکی است که احمدی در طول ۶ دهه بر آن ممارست به خرج داد تا توانست آن را در حضور امپراطوری نیما، به یکی از جریان‌های اصلی شعر معاصر کشور تبدیل کرده و پیروان بسیاری را پیدا کند.

اگرچه نیما یک حرکت مدرنی را در ساحت شعر معاصر آغاز کرد و شاملو، متجددانه، تاحدودی، این حرکت را به نفع خود مصادره نمود، اما در نهایت، این حرکت مدرنیستی در ادبیات معاصر کشور، به نام سبکی زده شد که احمدی، مبدع آن بود و تجلی آن، بیش از آن‌که در شعر غلیان پیدا کند، به سینما، تئاتر و حتی نقاشی نیز کشیده شد.

یادگار و میراثی که احمدی، امروز از خود به جای گذاشته، تا سالیان دراز، دستاویز شاعران جوانی خواهد بود که روزمرگی‌های خود را مشق می‌کنند و این اسلوب، تا زمانی که یک نابغه‌ای چون نیما، شاملو و احمدی ظهور نکند، جریان و قالب اصلی شعر معاصر کشور باقی خواهد ماند.

خبر

«قاتل و وحشی» هنوز در ایران اجازه نمایش ندارد

معاون نظارت و ارزشیابی سازمان سینمایی تاکید کرد: اتفاق جدیدی برای فیلم «قاتل و وحشی» حمید نعمت‌الله رخ نداده و این فیلم فقط پروانه نمایش برای خارج از کشور دارد.

به گزارش ایسنا، در بخش صدور پروانه نمایش سازمان سینمایی درج شده که به تاریخ ۲۰ تیرماه پروانه نمایش فیلم «قاتل و وحشی» صادر شده است و این گمانه‌زنی به وجود آمد که مشکل نمایش آخرین ساخته حمید نعمت‌الله که بیشتر به‌خاطر سر تراشیده بازیگر نقش اصلی (لیلا حاتمی) است برطرف شده؛ اما معاون نظارت و ارزشیابی سازمان سینمایی این موضوع را رد می‌کند.

حبیب ایل‌بیگی در گفت‌وگویی با ایسنا با اشاره به اعلام سال گذشته سازمان سینمایی درباره صدور پروانه نمایش «قاتل و وحشی» برای خارج از کشور بیان کرد: سال قبل در شورای پروانه نمایش با نمایش این فیلم در خارج از کشور موافقت شده بود اما روال اداری آن برای ثبت در سامانه تکمیل نشده بود که این کار به تازگی انجام شده و الان همان موافقت سال قبل در قالب صدور مجوز اعلام و در سایت درج شده است.

او با رد کردن خبرهایی که درباره برطرف شدن مسئله فیلم برای نمایش در ایران منتشر می‌شود، تاکید کرد: در پروانه نمایش فیلم «قاتل و وحشی» قید شده که این پروانه فقط برای نمایش خارج از کشور صادر شده است. حمید نعمت‌الله اواخر تابستان سال ۱۳۹۸ فیلم «قاتل و وحشی» را کلید زد و با وجود دو بار متقاضی شدن در جشنواره فیلم فجر هر بار به دلیلی موفق به رونمایی از فیلمش نشد.

در خلاصه داستان «قاتل و وحشی» آمده است: ««زیبا» مهیای عروسی دخترش می‌شود که به‌طور اتفاقی اسیر یک باند گانگستری مخوف می‌شود. او سعی می‌کند از این بند خود را رها کند. وقت زیادی ندارد، چون دخترش نیز بی‌خبر از همه‌چیز عازم همان‌جاست و این اتفاقی است که نباید بیفتد. «زیبا» برای نجات خود و دخترش می‌جنگد». لیلا حاتمی، امین حیایی، شهرام حقیقت‌دوست، ستاره اسکندری، عزت‌الله رمضانی‌فر، شهرام قائدی، علی اعلائی و سام نوری از جمله بازیگران این فیلم هستند.

«میلان کوندرا» درگذشت

«میلان کوندرا»، از بزرگ‌ترین نویسندگان ادبیات جهان در سن ۹۴ سالگی درگذشت.

به گزارش ایسنا به نقل از رویترز، «میلان کوندرا» نویسنده فرانسوی چک‌تبار و خالق رمان معروف «سبکی تحمل‌ناپذیر هستی» پس از یک بیماری طولانی در سن ۹۴ سالگی در شهر پاریس از دنیا رفت.

«کوندرا» در شهر برنو چک متولد شد اما در سال ۱۹۷۵ پس از طرد شدن به دلیل انتقاد از تهاجم شوروی به چکسلواکی به فرانسه مهاجرت کرد.

او به خاطر سبکی که مضامین و شخصیت‌هایی را به تصویر می‌کشد که بین واقعیت پیش پا افتاده زندگی روزمره و دنیای متعالی ایده‌ها شناورند، تحسین می‌شود.

اولین رمان کوندرا با عنوان «شوخی» در سال ۱۹۶۷ منتشر شد و تصویری کوبنده از رژیم کمونیستی چکسلواکی ارائه داد. این اثر اولین گام در مسیر کوندرا به سوی تبدیل شدن او به یک منتقد در تبعید بود.

او در سال ۱۹۷۶ به روزنامه فرانسوی لوموند گفته بود که سیاسی خواندن آثارش به معنای ساده‌سازی بیش از حد و در نتیجه پنهان کردن اهمیت واقعی آن‌هاست.

رمان «سبکی تحمل‌ناپذیر هستی» که در ایران با نام «بار هستی» هم ترجمه شده، در سال ۱۹۸۴ منتشر شد. این رمان محبوب‌ترین کتاب «کوندرا» به حساب می‌آید که به مشکلات یک زوج با یکدیگر و دشواری سازگاری با زندگی در چکسلواکی می‌پردازد. در سال ۱۹۸۸، کارگردان آمریکایی «فیلیپ کافمن» فیلمی بر اساس این کتاب به همین نام ساخت. با وجود این‌که کوندرا معتقد است رمان‌هایش برای ساخت فیلم مناسب نیستند، اما در ساخت این فیلم به عنوان مشاور همکاری داشت. در ادامه و در سال ۱۹۹۰ رمان «جاودانگی» از «کوندرا» به بازار آمد که در مقایسه با سایر آثار او، که بیش‌تر تفکرات سیاسی را مطرح می‌کنند، این کتاب از درون‌مایه فلسفی بیش‌تر و عمیق‌تری برخوردار است و مفاهیم جهانی‌تری را در خود می‌گنجاند. او در سال ۱۹۸۷ جایزه ملی اتریش برای ادبیات اروپا را دریافت کرد. همچنین در سال ۲۰۰۰ برنده جایزه بین‌المللی «هاردر» شد. در سال ۲۰۰۷ هم جایزه ملی ادبیات جمهوری چک به این نویسنده تعلق گرفت.

از دیگر آثار معروف کوندرا که در ژانرهای ادبی رمان، داستان کوتاه، شعر، مقاله و نمایشنامه نوشته شده‌اند می‌توان به «عشق‌های خنده‌دار»، «دون ژوان»، «زندگی جای دیگری است»، «میهمانی خداحافظی»، «والس خداحافظی»، «صاحب کلیدها»، «ژاک و ارباب»، «هیچ‌کس نمی‌خندد»، «آخرین می»، «کلاه کلمنتیس»، «خنده و فراموشی»، «هنر رمان»، «آهستگی»، «وصایای تحریف‌شده»، «هویت» و «جهالت» اشاره کرد.

ر. اعتمادی درگذشت

ر. اعتمادی، نویسنده کتاب‌های پرفروش و عامه‌پسند در نودسالگی از دنیا رفت.

مهدی رحیمی، ناشر کتاب‌های ر. اعتمادی با تأیید این خبر به ایسنا گفت: او ساعت یک و نیم شب گذشته در منزلش از دنیا رفت. مدتی بود که در بستر بیماری بود.

به گفته او، مراسم تشییع پیکر و خاکسپاری ر. اعتمادی احتمالا پنجشنبه، ۲۲ تیرماه، در بهشت زهرای تهران برگزار شود. مراسم یادبود این نویسنده و روزنامه‌نگار نیز روز شنبه، ۲۴ تیرماه، از ساعت ۱۸ تا ۲۰ در باشگاه راه‌آهن شهرک اکباتان برگزار خواهد شد.

رجبعلی اعتمادی زاده ۳۰ بهمن ۱۳۱۲ در شهر لار استان فارس مشهور به ر. اعتمادی نویسنده و روزنامه‌نگاری بود که به‌خاطر نوشتن رمان‌های عامه‌پسند و پرفروش عاشقانه شهرت دارد. او در سال ۱۳۳۵ پس از اتمام دوره سربازی، در آزمون آموزشی روزنامه اطلاعات شرکت کرد و به عنوان نفر ششم وارد این روزنامه شد.

اعتمادی بنیان‌گذار و سردبیر اولین مجله با مخاطب ویژه نسل جوان ایران بود. مجله جوانان از نشریات مؤسسه اطلاعات در سال‌های دهه ۴۰ و ۵۰ با سردبیری او (۱۳۴۵–۱۳۵۹) به یکی از پرفروش‌ترین مجلات ایران تبدیل شد.

این نویسنده که بیشتر کتاب‌هایش را با نام مستعار ر. اعتمادی به چاپ رسانده است از اواخر دهه ۵۰ تا اواخر دهه ۷۰ نمی‌توانست با نام خود چیزی را به چاپ برساند اما کپی‌های غیرمجاز کارهایش جزء محصولات پرفروش دستفروش‌های حوالی میدان انقلاب بود.

«دختر خوشگل دانشکده من»، «تویست داغم کن»، «گور پریا»، «برای که آواز بخوانم»، «خوب من»، «ساکن محله غم» (۱۳۴۳ توقیف شد)، «دیروز من دیروز تو»، «شاهین خبرنگار حوادث»، «شاهین در دام جاسوسان»، «شب ایرانی»، «کفش‌های غمگین عشق»، «شوک پاریسی»، «یک لحظه روی پل»، «باربی»، «چشم‌ها»، «آخرین ایستگاه شب»، «بازی عشق»، «جسور - زیبا ولی شیطان»، «اتوبوس آبی»، «بازی عشق»، «خانه سبز عسل»، «شاهد در آسمان»، «چهل درجه زیر شب»، «روزهای سخت بارانی»، «آبی عشق»، «هشت دقیقه تا برهوت»، «گل بانو»، «دختر شاه پریان»، «گل تی تی»، «عالیجناب عشق»، «هزار و یک شب عشق»، «نسل عاشقان»، «هفت آسمان عشق»، «رنگ سرخ عشق»، «گنجشک‌های غم» و «بازی عشق» از آثار منتشرشده او هستند.

باشه آهنگر:

برای ریزه‌کاری‌های فیلم باید جنگید

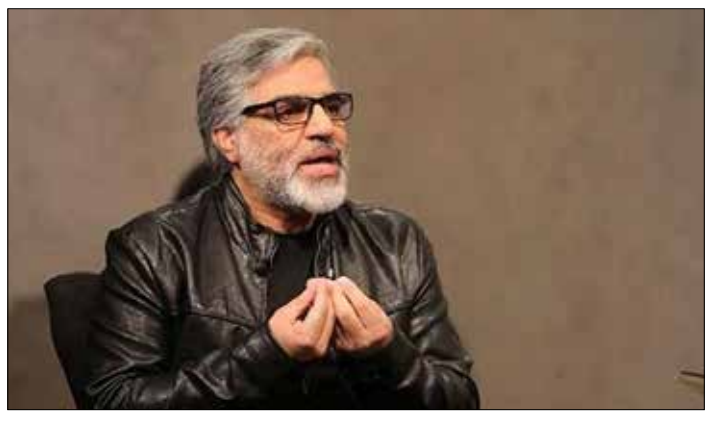

نویسنده و کارگردان سینما گفت:برای ریزه‌کاری‌های فیلم باید ارزش قائل بود و جنگید؛ موسیقی نامناسب حس‌هایی منتقل می‌کند که فیلم را زمین می‌زند. به گزارش ایرنا از روابط عمومی موزه سینمای ایران، سومین جلسه کارگاه انتقال تجربه فیلم سازی با حضور محمدعلی باشه آهنگر نویسنده و کارگردان سینما برای اعضاء باشگاه مخاطبان موزه سینما برگزار شد.

باشه آهنگر با بیان اینکه شروع فیلم می‌تواند از جزء به کل یا از کل به جزء باشد، گفت: کارگردان تصمیم می‌گیرد که زاویه دید از کل به جز یا برعکس باشد اما به هر شکلی که بخواهد کار کند باید بدیهی‌ترین اتفاقات را رعایت کند و خوراک کامل برای تدوینگرش مهیا کند و این شیوه از ایده، طرح و فیلمنامه در ذهن او شکل گرفته باشد. وی افزود: یکی از مهم‌ترین پدیده‌هایی که در سینمای ما کمتر به آن توجه می‌شود، فضاسازی است و جغرافیای فیلم نیز بخشی از این فضاسازی است. باید توجه داشت که ارتباط جغرافیا با قصه و شخصیت‌های آن بسیار مهم است. باید فکر کنیم که از این جغرافیا را باید تصویری کنیم و تمام این اجزا در انتها تا چه اندازه می‌تواند در انتقال مفهوم و داستان بر کار ما اثر بگذارد؛ اگر به این موارد فکر کنیم انتخاب بهتری خواهیم داشت و اگر فیلم‌ساز مولف باشد، این موارد برایش مهم است و از قبل به آن می‌اندیشید.

در هر دکوپاژی باید جغرافیا به خوبی معرفی شود

کارگردان فیلم سینمایی ملکه با اشاره به موضوع جغرافیا در فیلم‌سازی گفت: جغرافیای یک فیلم باید به مخاطب معرفی شود و معمولا یک بار نشان دادن این جغرافیا در فیلم کفایت می‌کند. مگر در دفعات بعد درام را یک پله به پیش ببرد و گرنه اضافه است. معرفی جغرافیا در تعریف شخصیت و پیشبرد داستان نیز تاثیرگذار است، به همین دلیل بار اصلی بر دوش نوع برش فنی و دکوپاژ و نوع تصویرسازی فیلم‌ساز خواهد بود. در هر دکوپاژی باید جغرافیا را به خوبی معرفی کنید و توجه داشته باشید که جغرافیای مورد نظر، آرام‌آرام در ذهن تماشاگر تصویر می‌شود و نقش می‌بندد. به جرات می‌توان گفت فضاسازی یکی از دشوارترین بخش‌های کارگردانی است.

وی با بیان اینکه باورپذیر بودن جغرافیا به باورپذیر بودن داستان کمک می‌کند، بیان داشت: اگر کارگردان فکر می‌کند که جزئیات جغرافیا تاثیری در قصه دارد، باید روی آن متمرکز شود و تاثیر آن باید در داستان دیده شود.